

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سروش  
۰۱ می ۲۰۲۳

## الهامبخش باد همبستگی مبارزاتی اول می برای زحمتکشان کشور!

اول می روز جهانی کارگر به مثابه نماد همبستگی مبارزاتی و طبقاتی کارگران و زحمتکشان در حالی در سراسر جهان تجلیل می گردد که نظام جهانی ستمگستر و استثمارگر سرمایه داری امپریالیستی بر روی دو پاشنه درتپ و تلاش گسترش و تحکیم جهانی سلطه سرمایه از طریق غارت و استثمار (صدور سرمایه)، استثمار نیروی کار جهانی، بحران آفرینی، تقویت و بر کشیدن ارتجاعی ترین و شقی ترین گروه های برخاسته از گورستان تاریخ مثل طالبان و داعشیان، سرکوب زنان و نیرو های مترقی و مبارزات توده ئی و افروختن آتش جنگ های تجاوزی و نیابتی در جهان است. جنگ های تحمیلی تجاوزکارانه صاحبان سرمایه مالی و یا نیابتی در افغانستان و منطقه از چند محور، حمایت از سرکوب زحمتکشان، زندانی ساختن زنان و اسارت خلق افغانستان در زندان چند میلیونی، با هدف گسترانیدن حاکمیت استعماری و تاراج بدون مانع منابع و استثمار نیروی کار توسط دولت ها و سازمان های امپریالیستی، این صاحبان سرمایه غارتگر مالی، صورت گرفته و در جریان است.

کارگران و زحمتکشان افغانستان طی چهل و چهار ساله گذشته متواتر آماج تهاجم مکرر امپریالیست های اشغالگر و متجاوز شرق و غرب و نظام های مستبد طبقاتی نهایت مرتجع و در دو سال اخیر تحت حاکمیت طبقاتی جبارانه و زن ستیزانه طالبانی دست پا می زنند. حاکمیت تئوکراتیک و تمامیتخواهانه طالبان بدون شک فاشیستی و شونیستی و تا مغز استخوان ضد کار و کارگر و ارزش های انسانی، ضد جنبش های انقلابی آزادی طلبان و ترقی خواهان کشور است. از منظر طبقاتی دولت طالبان خصلت طبقاتی فئودالی و کمپرادوری در متن نظام اجتماعی - اقتصادی نیمه فئودالی - نیمه مستعمراتی کشور هول انگیز ترین قرائت از اسلام را ابزار ایدئولوژیک تحمیق معنوی زحمتکشان و درفش ایدئولوژیک خود ساخته و با همین مهر در دست در پی آنست تا کلیه عرصه های حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی کشور را صحنه بگذارد، کنترل کند و حکم تأیید و یا تکفیر را در مورد افراد و نهاد ها صادر کند. با همین تمامیتخواهی و مطلق گرایی ایدئولوژیک که ماهیت ضد ملی طالبان نیز آن را تشدید و تقویت می کند، از لحاظ اجتماعی و سیاسی به نفی و انکار دگراندیشان و غیرطالبان (و نفی وحدت ملی) رسیده و سیستم حکومتداری و رویکرد این گروهک در قبال زنان و اقوام غیرپشتون شونیستی و تبعیض آمیز است. با این خصومت و خصلت طالبان، نباید از یاد برد که موضع اجتماعی گروه طالبان از چنین جایگاه طبقاتی در قبال زحمتکشان محروم پشتون از بدو امر تا حالا کاملاً، خصمانه، استثمارگرانه و ستمگرانه بوده است. پس جای تعجب ندارد که با چنین

تمامیت خواهی، انحصارگرایی و رویکرد امارت آن بر پایه تفکرات پوچ و سنت های فرتوت قرون وسطائی، با دار و تازیانه و سر بریدن، قطع کردن اعضای بدن زحمتکشان بی گناه و بی دفاع افغانستان استوار بوده است. سران و رهبران مافیائی و "فئودال - کمپرادور" گروه طالبان که در واقعیت امر در نقش بازیچه ها و ابزار بازی های همزمان نواستعماری امپریالیسم اشغالگر امریکا و شرکاء، دول مرتجع و امپریالیستی منطقه مثل پاکستان، ایران، قطر، ترکیه، هند، چین و روسیه از در ستیز با مردم افغانستان، با منافع ملی و تاریخی زحمتکشان کشور به میدان آمده است. همین ماهیت ارتجاعی، مرد سالار و ضد ملی و بیگانگی آن به منافع و آمال مردم کشور است که این گروه ستمگر و ستمیزه جو با خلق تحت ستم به خصوص مادران و دختران، زنان ستمکش ما خصمانه و سرکوبگرانه رفتار می کند. در همچو شرایط خواه و ناخواه صف زحمتکشان بیکار و گرسنه در کشور طویل تر گردیده، وحشت و بربریت، دربدری، بی خانمانی، فقر، بدبختی، بی روزگاری و هزار و یک مصیبت دیگر را بر طیف وسیعی از طبقات و اقشار محروم و ستمکش جامعه ما یعنی کارگران، دهقانان و سائر زحمتکشان اعمال کرده است.

در تحت حاکمیت طبقاتی و ضد ملی نظام دار و تازیانه و ضد انسانی به نام امارت اسلامی طالبانی کارگران و دیگر زحمتکشان کشور در حالی که کلیه نعمات مادی و ثروتی را که تولید می کنند، محروم اند، مضاف بر آن توسط کارفرمایان حاصل کار شان نه تنها به غارت، بلکه این کارگران و زحمتکشان به خصوص زنان در موقعیت بی حقوقی تمام و محروم از حق کار، حق تحصیل... با فقر و گرسنگی با بی سرپناهی و مسکنت با مرگ و زندگی در زندانی ۳۹ میلیونی به نام افغانستان به سر می برند. ، طوری که حاصل کار اضافی زحمتکشان کشور ما به استثنای زنان که امروز در چار دیواری خانه توسط باندیست های مزدور و حاکم قهار محصور و اسیر اند، توسط صاحبان سرمایه ربوده شده و به جیب سرمایه دار غدار می ریزد و منبع سود سرمایه است. امروز کارگران و زحمتکشان عذاب کشیده ما برای فرار از بیکاری و نظام هیتلری طالبانی که در بی حقوقی تمام به سر می برند، ناچار به صورت کتله نی به مهاجرت رو آورده و ده ها هزار کارگر زن و کودک به شکل غیرقانونی در کار های اجباری و شاقه با دستمزد ناچیز در کشورهای همسایه به ویژه در ایران و پاکستان جان می کنند، فاقگی می کشند، استثمار و تحقیر می شوند و جان می دهند.

در کشوری با جمعیت جوان، به تعداد بیست میلیون از زحمتکشان کارگر هموطن ما که واجد شرایط کار در کار های تولیدی طاقت فرسا می باشند، نود درصد شان را دهقانان تشکیل می دهد، که مصروف کشت و کار و مالدار و پیشه وری می باشند. زحمتکشان دنیای وسیع روستا ها در بخش اقتصاد زراعتی به طور عمده با همان شیوه فئودالی با گاو و آهن و سخت ترین ابزار کار و بزرگ ترین نیروی جسمی با مزد ناچیز و همین طور در بخش صنعت با ۸ الی ۱۰ ساعت کار طاقت فرسا در روز مصروف کار شاقه می باشند. چهل فیصد از کارگران متذکره را کودکان زیر ۱۴ سال و یا هم جوانان بالا تر از هجده سال تشکیل می دهند. این بخش زحمتکشان در تحت حاکمیت تحمیلی و آدم خوار طالبانی که ماشین جنگی شان از گوشت و خون همین کارگران و زحمتکشان مهین تغذیه می کند، به اجبار ترک تحصیل و آموزش در مکتب و دانشگاه کرده به جای رفتن به مکتب و پوهنتون بنا بر جبر اوضاع بد اقتصادی به کار های شاقه و روزمزد در میادین کاری در مراکز شهر ها روی آورده اند. تعداد زیادی از زحمتکشان و جوانان بیکار و بی روزگار کشور ما از فرط ناچاری به سوی کشور های همسایه به صورت دسته جمعی به مهاجرت رو آورده و در ایران و پاکستان سرگردان و در یک حالت نامساعد برای به دست آوردن لقمه بخور و نمیر غرض رفع نیازمندی اولیه خود مصروف کارهای روزمزد سخت و طاقت فرسا می باشند. در حالی که جنایتکاران و تروریستان آدمکش طالبی به شکم های گنده در کمال آسایش و برخورداری از همه نعمات مادی جبارانه بر ملتی که بیش از نود درصد نفوس آن را

کارگران و زحمتکشان گرسنه تشکیل می دهند، می تازند و برای سرباز گیری از همین طیف محروم در یک جنگ ناتمام نیابتی و قدرت به دستور امپریالیسم با خون و آتش بازی می کنند و در قصر های به جا مانده از فرعون های دیروزی فراری لمیده و با هدایت سردمداران امپریالیست ها با کشتن، بستن، با آدمربائی، شکنجه و زندان و با ارباب، ترور و وحشت ملک را به آتش کشیده، خلق را زندانی ساخته و شعله های جنگ نیابتی را در منطقه شعله ور و افغانستان را به پایتخت و پناهگاه امن ترورستان بین المللی مبدل نموده اند و آماده اند به دستور امپریالیسم امریکا موج ترور و آشوب را به منطقه سرازیر سازند و یا همسو با حرص و آز دول و سازمان های امپریالیستی و ارتجاعی چینی، روسی، پاکستانی و غیره منابع کشور را غارت، زحمتکشان را استثمار و محیط زیست کشور را تخریب کنند. همه روزه از آتش جنگ و سیطره ارتجاعی شان زحمتکشان و فرزندان خلق بی دفاع کشور ما به خاک و خون می غلتند.

گروه مرتجع و مزدور طالبان بر پایه کاراکتر طبقاتی و ماهیت ضد ملی اش با مردم افغانستان شامل زنان و مردان ستمکش و بی حقوق عمل می کند. با این مواضع، در شرایط کنونی مزدوران اجاره نی و کوراندیش طالبانی به یاری امپریالیسم امریکا به حاکمیت خودخوانده مزدورش در افغانستان، با تبعیض و ستم آشکارا بر زنان، مردان، طفلان، مادران، خواهران و جوانان با زور سر نیزه با خصومت و خشونت و بربریت می تازند. طالبان فاشیست با این روش ها زندگی را به دوزخی برای زحمتکشان و کارگران بی دفاع کشور ما مبدل ساخته و به حاکمیت جبارانه تراز فاشیستی خود با کشتن، بستن، به دار آویختن در سایه قوت های استخبارات کشور های امپریالیستی و ارتجاع منطقه ادامه می دهند. در تحت سیطره طبقاتی نوع هیتلری طالبان، زنان و مردان درد کشیده ما از هر نوع فعالیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تعلیمی، حق کار و تحصیل، آزادی های اجتماعی، فرهنگی و مدنی محروم مانده و بیکار و زندانی شده اند. در این میان زنان افغان در چار دیواری خانه محصور از ادامه کار در بیرون از خانه، از کارگاه های تولیدی و از تمام حقوق انسانی محروم و روح و روان شان را چنان با فشار های خصمانه و وحشیانه فشرده اند که خون در بدن شان خشکیده است. مضاف بر این، زنان کشور در این حدود ۲۰ ماه با بدترین تحقیر، توهین، سرزنش و تجاوز و دره و سنگسار رهبران مافیائی و دره بدستان ژولیده موی و تند خوی گروه فاشیست، شوونیست، مرد سالار، مزخرف، تبعیض پسند، ستمگر و متجاوز طالبان مواجه بوده اند. فهم این حقیقت خیلی مهم است که حاکمیت تئوکراتیک نوع فاشیستی امارت اسلامی طالبان و همه این مظالم جباران طالبانی در حق زنان و مردان مظلوم جامعه ما، بدون حمایت همه جانبه دول امپریالیستی غرب و شرق، درازدستی دول مرتجع و توسعه جوی همجوار و منطقه و سازمان های مرتبط بدان ها مثل به نعل و به میخ زدن "ملل متحد"، متصور و میسر نبوده است.

رهائی از این ورطه هولناک به خودی خود به دست نمی آید. برای نجات و رهائی خلق زحمتکش و رنج دیده خود از موقعیت ستمکشی در تحت سیطره خونین طبقاتی و نواستعماری نظام طالبانی، باید مبارزه کرد. آرمان و داعیه آزادی از ستم طبقاتی، جنسیتی، قومی، مذهبی، تبعیض جنسیتی گروه مزدور و مرتجع طالبان حاکم و سیطره نواستعماری امپریالیستی و تحقق آزادی ملی، دموکراسی مردمی، عدالت و ترقی اجتماعی با دورنمای تکاملی؛ کار و پیکار جمعی، مستمر، ارتقائی و بی دریغ انقلابیون و روشنفکران مبارز و قاطبه خلق کشور را می طلبد. کار برای ایجاد هر چه سریع تر یک نیروی منسجم و منضبط با رهبری سالم، با یک قوت و نیرو، متحد و یکپارچه را برای پیشبرد و انجام این وجیه بزرگ می طلبد. امکان عملی و منطقی بسیج این نیرو های طبقاتی (کارگران، دهقانان و سائر زحمتکشان) کشور ما که به عنوان نیرو های اساسی و عمده انقلابی مطرح هستند، را بسیج کنند و تحت رهبری یک ستاد آگاه انقلابی، با اندیشه های پیشتاز عصر برای نجات خلق به دست خود خلق و با اتکاء به نیروی لایزال آن، به کلیه اشکال و مظاهر ستم، استثمار، ارتجاع، استعمار و تبعیض و نابرابری و عوامل اقتصادی، اجتماعی و تاریخی آن پایان داده و

جامعه سالم و مترقی عاری از ستم و ستمگر را بنا کنند. آن روز روز واقعی جشن، سرور و سروری زحمتکشان افغانستان خواهد بود.

زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران سراسر جهان!  
مرگ بر نظام امپریالیستی - ارتجاعی سود و سرمایه!  
مرگ بر حاکمیت دار و تازیانه طالبانی و کلیه مظاهر ارتجاع!  
وسیله تحمیق معنوی زحمتکشان در دست طالبان است!  
آزادی خلق به دست خود خلق آگاه و متحد میسر است!